

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و پنجم، دوره جدید، سال یازدهم
شماره دوم (پیاپی ۴۲)، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱-۲۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۵/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۳

بررسی کمی ابزارهای انسجام در متن عربی و ترجمه فارسی پنج مقامه از مقامات حریری براساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند

رحمت الله ولدبیگی* - محمد راسخ مهند** - علی طاهری***

چکیده

در این مقاله برپایه نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، میزان حضور ابزار انسجام در یک‌دهم از مقامات پنجاه‌گانه حریری به شکل تطبیق متن اصلی با ترجمه آنها بررسی می‌شود. در دستور نقش‌گرای هلیدی، زبان اصلی‌ترین وسیله انتقال فرهنگی است و هر عنصری از آن برپایه نقش معین در نظام کلی زبان معرفی می‌شود. در این نظام، ابزار مختلفی برای نشان‌دادن انسجام در متن به کار می‌رود. جامعه آماری این پژوهش پنج مقامه از مقامات پنجاه‌گانه حریری است؛ مقامه‌هایی مانند دیناریه، برقعیده، مرویه، شیرازیّه و تنسیه که هم از نظر محتوا (توجیه فقر و گدایی) بیانگر کلیت مقامات است و هم از نظر لفظ و متن، انسجام کامل تری دارد. با بررسی متن و ترجمه آن برپایه این الگو، این نتایج به دست آمد: نخست آنکه در متن اصلی و ترجمه، میزان انسجام از نظر کمی در ابزارهایی مانند حذف، ترادف، هم‌آیی و شمول معنایی هماهنگ نیست و این به سبب رویکرد دوگانه مترجم (ترجمه آزاد و ترجمه لفظ‌به‌لفظ) و نیز اختلاف در حوزه معنایی واژه و ساختار دستوری زبان اصلی و ترجمه است. دیگر آنکه حریری به لفظ بسیار توجه دارد و به دیگر رفتارهای نویسندگی بی‌توجه است و همین در ابتدا متن را اندکی نابسامان و بی‌هدف جلوه می‌دهد؛ اما این کتاب دربردارنده ویژگی‌های سه‌گانه آموزش زبانی و بیان روایی و روشنگری اجتماعی، همراه با عوامل انسجامی است؛ همچنین ترجمه فارسی آن از ظرفیت لازم برای نمایش میزان حضور ابزار انسجام برخوردار است؛ به‌ویژه ترجمه بررسی شده که آمیخته‌ای از هر دو نوع ترجمه است.

واژه‌های کلیدی

نقش‌گرای نظام‌مند؛ ابزار انسجام؛ مقامات حریری؛ دیناریه؛ برقعیده؛ مرویه؛ شیرازیّه؛ تنسیه

* دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران. rahmat5685@gmail.com

** استاد، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی، همدان، ایران، mrasekhmahand@yahoo.com

*** استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران (نویسنده مسؤول) taheri321@yahoo.com

مقدمه

مقامه نوعی از ادب مثنوی در عرصه ادبیات عرب و فارسی است. نویسندگان متعددی از این نوع ادبی استقبال و اقتباس کرده‌اند که از جمله آنان می‌توان به ابوالقاسم محمد حریری اشاره کرد.

ویژگی اصلی این نوع ادبی، اظهار قدرت زبانی و واژگانی در متن است که به شکل روایت و با هدفی اجتماعی بیان می‌شود؛ اما به سبب «تمرکز روایی بر تنها شخصیت اصلی و عدم برخورداری ارتباط بین شخصیت‌ها و تداخل اشعار فراوان و کثرت اوصاف و فکاهه‌گویی و گدایی و ...» (مبارک، ۱۹۹۰: ۲۰۶)، انسجام و هماهنگی کمتری بین متن بعضی از مقامه‌ها وجود دارد. البته در متن بعضی مقامه‌ها نیز ابزارهای انسجام و هماهنگی پربسامد است؛ از جمله مقامه‌هایی که ممکن است نمونه موجهی برای این ادعا باشد، مقامه‌های دیناریه، برقعیده، مرویه، شیرازیّه و تنیسیه است. در این پژوهش هدف آن است تا در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام مند هیلیدی به این پرسش تحقیقی پاسخ داده شود که در صورت اثبات وجود ابزار انسجام در مقامه‌های منتخب، میزان پراکندگی و تعادل این ابزار در متن اصلی و ترجمه آنها چه اندازه است؟

اهمیت و ضرورت این پژوهش این است که با اثبات حضور ابزار انسجام در متن مقامات حریری می‌توان به فرضیه پژوهشگرانی پاسخ داد که معتقدند مقامات نوشته‌های باطل و بی‌ارزش است؛ همچنین می‌توان خوانندگان را متقاعد کرد این کتاب در بردارنده ویژگی‌های آموزش زبانی و بیان روایی و روشنگری اجتماعی است؛ نیز بین متن اصلی (عربی) و ترجمه فارسی آن تعادل انسجامی وجود دارد و ترجمه پژوهش‌شده در این مقاله، ظرفیت نمایش میزان حضور ابزار انسجام را دارد.

پیشینه پژوهش

نظریه انسجام هیلیدی و حسن (۱۹۸۵) بارها در متون مختلف آزموده شده است و پژوهشگران نیز به مقامات حریری توجه داشته‌اند؛ اما تازگی این پژوهش از دو منظر درخور بررسی است؛ نخست اینکه بیشتر پژوهشگران، نظریه نقش‌گرای هیلیدی را فقط در متن اصلی بررسی کرده‌اند و از تطبیق ابزارهای انسجام در متن اصلی و ترجمه اندکی غافل مانده‌اند؛ دوم آنکه مقامات حریری در جایگاه یک متن کهن زبانی - ادبی، از دیدگاه نظریه‌های معتبر و مشهور زبانی و اجتماعی کمتر بررسی شده است و تحقیقات پیرامون موضوعی آن بیشتر داستانی و سبکی است تا زبانی و تطبیقی؛ اما این پژوهش جنبه زبانی - تطبیقی دارد.

در راستای اشاره علمی و دانشگاهی به پیشینه پژوهش این مقاله می‌توان گفت نویسندگانی مانند تاکی (۱۳۷۸)، مدرسی و مخبر (۱۳۹۱)، نبی‌لو (۱۳۹۲)، ایشانی و نعمتی (۱۳۹۲)، قوامی و آذرنوا (۱۳۹۲)، فروزنده و بنی‌طالبی (۱۳۹۳)، پروینی و نظری (۱۳۹۳ و ۱۳۹۴)، امیری خراسانی و علی‌نژاد (۱۳۹۴)، مسبوق و دلشاد (۱۳۹۵)، مهربانی و ذاکر (۱۳۹۵)، سادات الحسینی و همکاران (۱۳۹۵) و ... نظریه زبان‌شناختی نقش‌گرای نظام‌مند را هم در متن و هم از نظر الگویابی نظری در مقالات خود بررسی کرده‌اند که نزدیک‌ترین آنها به موضوع این پژوهش، مقاله «تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در مقامه مضبیره بدیع‌الزمان همدانی» از مسبوق و دلشاد (۱۳۹۵) است. آنان به شکل تحلیلی کوشیده‌اند تا این مقاله را با آثار روایی منسجم و درهم تنیده معاصر برابر دانند؛ اما از نظر کمی، ابزار انسجام را در متن بررسی نکرده‌اند؛ در حالی که نگارندگان در مقاله پیش رو از اعتبار دقت کمی در بررسی ابزار انسجام بهره برده‌اند. نیز

در این زمینه می‌توان از مقاله «انسجام متنی مقالات شمس تبریزی» نوشته مدرس و مخبر (۱۳۹۱) یاد کرد که کمابیش در پی اثبات همان موضوعی است که منظور این پژوهش است؛ زیرا همانطور که مقالات شمس با وجود گسیختگی و پراکندگی ظاهری از انسجام متنی برخوردار است، مقامات حریری نیز در متن اصلی و ترجمه، به‌ظاهر پراکنده ولی در قالب الگوی ابزار انسجام، منسجم است.

روش پژوهش

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای (مطالعه مبانی نظری) و با تکیه بر تحلیل آماری، داده‌های متغیر وابسته (پنج مقامه از مقامات حریری) را با نظریه‌های متغیر مستقل (نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی) تطبیق می‌دهد تا با پاسخ به پرسش‌های تحقیق به درستی فرضیه‌های بیان‌شده دست یابد. شیوه کار اینگونه است که ابتدا عوامل انسجام به شکل نظری، مطابق با نظریه نامبرده همراه با توضیح و تبیین اصطلاحی و نمونه‌هایی از متن عربی و فارسی آورده می‌شود تا بستری برای بررسی تطبیقی کمیّت حضور این ابزارها در سطح جمله فراهم آید.

نمونه: «ارجاع عبارت است از بازگشت تعبیری و تفسیری یک ضمیر به واژه‌ای از واژه‌های قبل یا بعد از خود در درون متن که خواننده را در فهم و تشخیص آن واژه کمک می‌کند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۶).

شاهد از متن عربی (اصلی): «نُظْمَنِي وَأُخْدَانًا لِي نَادٍ» (حریری، ۱۳۶۳: ۲۸). «ی» در «نُظْمَنِي» و «لِي» به راوی (حارث) ارجاع دارد.

شاهد از متن فارسی (ترجمه): «از غم و اندوه برافروخته شدم ...» (همان، ۱۳۸۷: ۳۸۰). (م) در (شدم) به راوی (حارث) ارجاع دارد.

سپس برای رسیدن به میزان پراکندگی ابزارهای انسجام در سیاق کلام، بسامد ابزارهای مختلف انسجامی در هر دو متن، در قالب جدول و نمودار، اندازه‌گیری و ثبت می‌شود. همچنین میزان حضور ابزار انسجام با تبیین چرایی بسامد و یا نداشتن بسامد آنها در متن اصلی و ترجمه، برپایه نمودارها، تجزیه و تحلیل می‌شود. در بخش نتیجه‌گیری نیز تجزیه و تحلیل داده‌ها گزارش خواهد شد.

دستور نقش‌گرای نظام مند

گفتمنی است «اصل و خاستگاه زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا (Systemic Functional Linguistics) مخفف «SFL» مروهون زبان‌شناس انگلیسی‌تبار «جان روبرت فرث» (Jahn Rubert Firth) و تأثیرگذاری زبان‌شناسان اروپایی مکتب پراگ همچون مالینوسکی (Malinowski)، یلمزلف (Hjelmslev)، وُرف (Whorf) و فردینان دوسوسور (Ferdinan De Saussure) است» (Berry, 1975: 22-23)؛ اما بنیان‌گذاری آن را به مایکل هلیدی (Michael Halliday) نسبت می‌دهند. درواقع فرث معتقد بود که هر زبان، آنگونه که فردینان دوسوسور بیان کرده است، تنها نظام نیست؛ بلکه نظامی از نظامهاست ... عقاید فرث تا قبل از مرگش (۱۹۶۰) گسترش نیافت؛ اما هلیدی آن عقاید را به صورت منسجمی به کار گرفت و مسیرهای جدیدی در به کار بردن آن عقاید آشکار کرد؛ آنگونه که در طول دهه شصت، زبان‌شناسی به‌طور فزاینده‌ای متأثر از نظریات هلیدی شد و در حوزه زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا درآمد.

انسجام یکی از مباحثی است که زبان‌شناسان و به‌ویژه زبان‌شناسان نقش‌گرا به آن توجه دارند. هلیدی و حسن در سال ۱۹۷۶ این نظریه را با عنوان «Cohesion in English» مطرح کردند. سپس رقیه حسن در سال ۱۹۸۴ و هلیدی حسن در سال ۱۹۸۵ این نظریه را تکمیل کردند و بحث هماهنگی انسجامی و پیوستگی را بر آن افزودند. آنان تأکید کردند که یافتن ابزارهای انسجام در یک متن به تنهایی بیانگر انسجام متن نیست؛ بلکه باید این عوامل در یک زنجیره انسجامی قرار گیرد و با دیگر زنجیره‌های مؤثر، مثل مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی ارتباط متقابل داشته باشد. به اعتقاد هلیدی و حسن «متن باید اطلاعات جدید داشته باشد و اگر خواننده اطلاعات جدیدی از متن کسب نکند، چنین متنی از شایستگی منتیت برخوردار نیست» (Haliday and Hasan, 1976: 36). به همین سبب هلیدی و حسن ساخت متنی را به دو گروه ساختاری و غیرساختاری تقسیم می‌کنند؛ با این توضیح که بخش ساختاری شامل دو ساخت متمایز «مبتدا - خبری» و «اطلاعاتی» است و بخش غیرساختاری آن «انسجام» است. گفتنی است این پژوهش بخش غیرساختاری را برای تشخیص میزان کمی ابزارهای انسجام در متن و ترجمه منظور انتخاب کرده است؛ زیرا در بخش غیرساختاری، انسجام عامل تشخیص میزان درجه منتیت یک پیام نوشتاری یا کلامی است؛ چون «ممکن است متنی انسجام قوی‌تر یا انسجام ضعیف‌تری داشته باشد؛ اما هیچ متن بدون انسجامی وجود نخواهد داشت» (Gutwinski, 1976: 33). همه این مباحث نشانی از نظام‌مندی و نقش‌گرایی زبان است و نقش‌گرایی زبان یکی از پایه‌های گفتمان است. «کاربرد گفتمانی زبان، تنها از مجموعه منظم و پی‌درپی لغات، بندها، جملات و گزاره‌ها تشکیل نشده است؛ بلکه زنجیره‌ای از اعمال مربوط به یکدیگر نیز هست و آرایش کلمات، سبک یا انسجام، در میان بسیاری از دیگر مشخصه‌های گفتمانی، به مثابه ساختارهای انتزاعی مطرح می‌شوند. به همین دلیل است که سخنرانان یا نویسندگان به‌طور مستمر درگیر ایجاد انسجام در گفتمان خود هستند و آنچه در مورد ساختارهای گفتمانی صادق می‌دانند؛ مسلماً در فرآیندها و بازنمودهای ذهنی لازم برای تولید و درک گفتمان نیز صادق می‌کند» (وان دایک، ۱۳۸۲: ۸۰-۸۱). این درگیری مستمر راوی با خود برای ایجاد انسجام در متن مقامات آشکار است.

فرکلاف (Fairclough) نیز در بُعد اول الگوی سه بُعدی خود، تحلیل گفتمان انتقادی را برپایه نظریه هلیدی پیش برده است و در تأیید حضور نقش‌گرایی در تحلیل گفتمان معتقد است که «در هر متنی مسائل فراتر از حد جمله در حوزه تحلیل قرار دارند؛ مسائلی همچون انسجام بین جمله‌ای و جنبه‌های گونه‌گون ساختار متون که مورد بررسی تحلیل‌گران گفتمان و تحلیل‌گران مکالمه قرار می‌گیرد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۱)؛ پس مقوله انسجام، یکی از مباحثی است که زبان‌شناسان از جمله زبان‌شناسان نقش‌گرا در تحلیل گفتمان به آن توجه دارند.

کلیاتی در باب مقامه، مقامات حریری و ترجمه آن

«مقامه در زبان عربی از «قام» «يقوم» گرفته شده و به مجالسی اطلاق می‌شده که گوینده در حال ایستادن، سخن خود را در پوششی از صنایع لفظی ارائه نموده است. از نظر تاریخی مقامه را می‌توان در اشعار جاهلی عرب جستجو کرد. در قرآن کریم در آیه ۷۴ سوره «مریم» و در آیه ۳۲ سوره «فاطر» این واژه به ترتیب به معنی «مجلس» و «جای ماندن» به کار رفته است. در دوره اسلامی، زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس واژه مقامه به معنی مجلسی به کار رفته است که در آن شخصی در برابر خلیفه یا شخص دیگر ایستاده و به منظور وعظ سخن گفته است. در همین رهگذر به تدریج این واژه به معنی

سخنرانی تحول معنایی یافته است و در قرن سوم به «استغاثه گدایان» و «سؤال نیازمندان» که غالباً سجع بوده اطلاق شده است» (ابراهیمی حریری، ۱۳۴۶: ۶). این دیدگاه در آثار پژوهشگران دیگر هم آمده است؛ «مقامه در لغت به معنای جای ایستادن، مجلس، محل اجتماع قبیله و جای ماندن است و در اصطلاح نوعی داستان کوتاه به نثر فنی و مصنوع آمیخته با شعر و امثال و آراسته به اقسام صنایع لفظی است که غالباً جنبه فکاهی داشته و در مجلسی و انجمنی خوانده شده است. این داستان‌ها معمولاً دو شخصیت ممتاز دارند که یکی قهرمان اصلی و دیگری راوی است» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۲۶۱). همچنین «مقامه، داستان‌هایی پی‌درپی است که قهرمان همه آنها یکی است. این قهرمان اعمال محیرالعقولی را انجام می‌دهد یا به اصطلاح شیرین‌کاری می‌کند و در پایان غیب می‌شود و کسی نمی‌فهمد که سرگذشت او به کجا انجامیده است و دوباره در داستان دیگر به هیئت نوینی آشکار می‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۱۴۰). اکنون مقامات متنی با توانایی زبانی و فرازبانی درخور توجه در ادبیات عربی و فارسی است و مقامات حریری یکی از این متون است.

«ابومحمد قاسم بن محمد بن عثمان حریری حرامی از ادبا و لغویان مشهور ایرانی نژاد قرن پنجم است که به سال ۴۴۶ در قریه «المشان» نزدیک بصره به دنیا آمد. حریری پس از آموختن علوم دینی و ادبی، مورد توجه بزرگان قرار گرفت و به شغل دیوانی، یعنی «صاحب خبری» در بصره منصوب شد و نیز بنابه گفته «سبکی» وی در همین شهر به نقل حدیث پرداخته و مقاماتش را املا می‌کرده است و پس از آنکه عمری را در اشتهار و ثروت و عزت سپری کرد، سرانجام در ۶ رجب سال ۵۱۶ هـ ق درگذشت» (رواقی، ۱۳۶۵: ۹).

مقامات حریری در میان سال‌های ۴۹۵ تا ۵۰۴ قمری نوشته شد و پنجاه مقامه را در بر دارد. نویسنده خود درباره اینکه کتاب را به خواش و تشویق چه کسی نوشته، به روشنی چیزی نگفته؛ به‌جز اینکه در مقدمه به‌طور مبهم به این موضوع اشاره‌ای کرده است: «اشارت کرد آن کس که اشارت او حکم باشد و طاعت او غنیمت که انشا کنم مقاماتی که از پی بدیع همدانی ...» (همان: ۳).

موضوع اصلی مقامات حریری شرح در یوزگی «ابوزید سروجی» با چرب‌زبانی و حيله‌گری است؛ اما مؤلف در لابه‌لای مقامات به موضوعات دیگری مانند وعظ و نصیحت و پرهیز از دنیاپرستی و تشویق به نیکوکاری هم پرداخته است؛ ضمن اینکه با استفاده از سحر بیان، تصویری از جامعه زمان خود ترسیم کرده است. یکی از اغراض تألیف کتاب‌های مقامات آموزش زبان و لغت و ادب بوده است؛ به همین سبب این کتاب نیز به میدانی برای عرضه انواع لغات نادر و صنایع بدیعی و بازی‌های لفظی درآمده و حریری در این عرصه طبع‌آزمایی کرده است.

مقامات حریری به زبان‌های مختلفی ترجمه و چاپ شده است. در زبان فارسی دو ترجمه موفق از آن ترجمه علی رواقی (۱۳۶۳) و ترجمه طواق گلدی گلشاهی (۱۳۸۷) است که تمرکز ما برای این پژوهش تطبیقی، ترجمه دوم است. گلشاهی در این باره می‌گوید: «با در نظر گرفتن این نکته که مقامات حریری از دیرباز در همه ادوار، مورد توجه ادبا و شیفتگان ادب و به‌خصوص کلام مسجع بوده و در حال حاضر نیز از کتب مورد توجه در دو رشته زبان و ادبیات فارسی و عربی است، ضرورت ترجمه‌ای امروزی با آمیزه‌ای از ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد و روان به نظر رسید و انگیزه این نوع از ترجمه این بود که ترجمه تحت‌اللفظی اگرچه در آموزش لغت مؤثر و مفید است؛ اما غالباً به رسایی مفهوم عبارت توجهی ندارد و مایه ملال خواننده می‌گردد و معنی در دایره لفظ گرفتار می‌شود و ترجمه آزاد و روان نیز اگرچه موجبات التذاذ ادبی را فراهم می‌سازد، گاه خواننده را از متن اصلی دور می‌کند، اما آمیختن این دو شیوه می‌تواند

گونه‌ای از ترجمه را پدید آورد که هر دو حسن را در بر داشته باشد» (گلشاهی، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۷). نیز ملاک ما برای انتخاب این ترجمه در این تحقیق، معانی صریح و ضمنی از نظر ارجاعی و کاربردی است؛ زیرا «برای ارزیابی کیفیت ترجمه در مدل‌های زبان‌شناختی که ترجمه خوب را بازآفرینش دقیق از متن مبدأ می‌داند، باید متن مقصد با متن مبدأ مقایسه شود تا مشخص گردد که آیا متن مقصد بازآفرینش دقیق، صحیح، کامل، وفادارانه و درست از متن مبدأ می‌باشد یا خیر؟ که منظور از دقیق‌بودن، آوردن معانی صریح و ضمنی از نظر ارجاعی و کاربردی است» (Newmark, 1991: 111). البته باید همیشه گفت که «در ترجمه نشانه‌های لفظی به‌عنوان بهترین علامت برای پی‌بردن به بینامتنی و درک معنا تقریباً از بین می‌روند» (میرزایی و شیخی قلات، ۱۳۹۲: ۴۱)؛ اما مترجم چیره‌دست می‌تواند این حلقه‌های مفقود را به حداقل برساند.

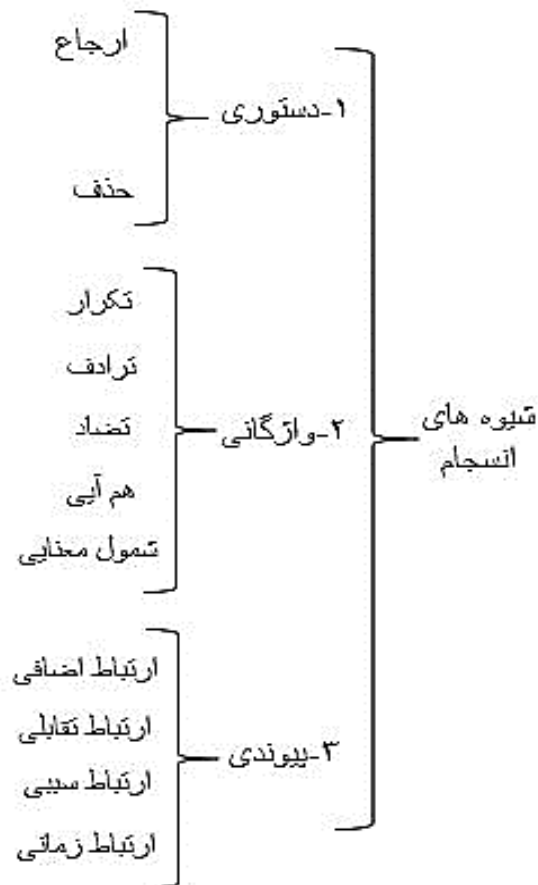
مقامه‌های منتخب (دیناریه، برقعیده، شیرازی، مرویه و تنیسه)

در این مقامه‌ها حکایاتی از راوی (حارث بن همام) در زمانی خاص و در مکانی معلوم ذکر می‌شود. قهرمان این روایت شخصی واعظ، ناظم و شاعر به نام ابوزید سروجی است که بنابر دلایل اجتماعی مانند بی‌توجهی به اهل فرهنگ، ناتوانی سکانداران فرهنگ در شناخت و پرورش افراد و توانمندی‌های فرهنگی، رواج فقر و بی‌توجهی به معیشت مردم و ... با زبان مسجع رمزگونه به گدایی پرداخته است؛ با این بیان و برخورد، هم توجه افراد برجسته را به خود جلب کرده و هم از خطر سانسور بیانی دور شده است. اگر به بافت آهنگین کلمات و عبارات در دو محور همنشینی و جانیشینی توجه کنیم؛ درمی‌یابیم حریری با ابزار انسجام و نیز به کمک امور بینامتنی مثل شعر و سجع و جادوی مجاورت توانسته است خواننده را نسبت به این موضوع آگاه کند که این نوع از تألیف، اهداف زبانی و فرازبانی متنوعی دارد. این اهداف هم در حوزه زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان و سبک‌شناسی درخور بررسی است و هم مبین دوره‌ای است که از توسعه فقر و بی‌توجهی به مردم و انحصار رفاه در اختیار اشراف و گروه اندک سخن می‌گوید.

انسجام و ابزار آن

«انسجام به مناسبات معنایی میان‌متنی اشاره دارد که به واسطه عمل آنها، فهم و تعبیر برخی از عناصر متن امکان‌پذیر می‌شود و این امکان می‌تواند یک بستر مناسب برای ورود به تحلیل گفتمان باشد» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۱۰). در تحلیل و نقدهایی که تاکنون براساس نظریه سیستمی - نقشی صورت گرفته است، منتقدان به این بخش از نظریه بیش از بخش‌های دیگر توجه داشته‌اند و متون بسیاری اعم از داستانی و شعری و تاریخی براساس عوامل و ابزار انسجام تجزیه و تحلیل شده است. بی‌تردید توجه ویژه به این بخش از نظریه به سبب ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فراوان آن برای کشف ویژگی انسجام در متون ادبی است. البته قضاوت نهایی درباره هر متن تنها با توجه به انسجام متن کامل نیست و برای درک کامل هر متن افزون بر انسجام متن، وجود همبستگی‌های متنی نیز ضرورت دارد؛ زیرا «همبستگی، عبارت است از تعبیر و تفسیر متن با توجه به موقعیت‌های بیرون از متن یا موقعیت اجتماعی آن و نیز تجربه‌ها و پیش‌ذهنیت‌های ما در درک و فهم متن» (تاکی، ۱۳۷۸: ۷۳) و این همان تأثیر دوسویه متن بر اجتماع و اجتماع بر متن است. استفاده از ابزارهای زبان‌شناختی در تحلیل گفتمان انتقادی متون ادبی، مسئله‌ای علمی و درخور دفاع است؛ زیرا فصل مشترک همه

تعریف‌ها از گفتمان این است که «گفتمان (سخن) واحد بزرگ‌تر از جمله است» (باغینی‌پور، ۱۳۷۵: ۱۷) و هدف از تجزیه و تحلیل گفتمانی یک متن، مطالعه چگونگی ساخت آن است و چون نظام عناصری زبان در آن متن فراتر از جمله است، باید ابزارهایی برای شناخت و ارزیابی آنها وجود داشته باشد. برپایه الگوی هلیدی و حسن شیوه‌های انسجام متن عبارت است از:



این پژوهش بر آن است تا متن اصلی مقامه‌های منتخب از مقامات حریری را با ترجمه آنها مقایسه کند تا دریابد میزان و شیوه رعایت ابزار انسجام در متن اصلی و ترجمه آن چگونه است.

عوامل انسجام دستوری

عوامل دستوری انسجام شامل ارجاع و حذف است.

ارجاع

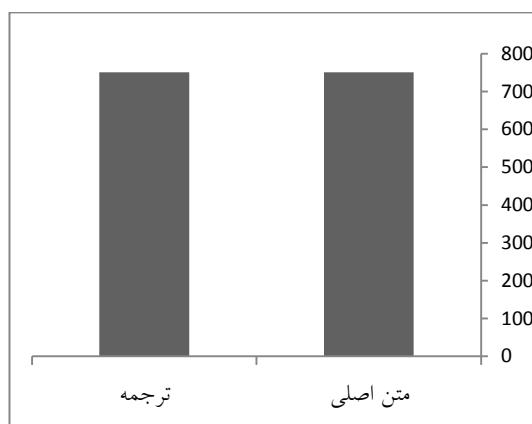
«ارجاع عبارت است از بازگشت تعبیری و تفسیری یک ضمیر به واژه‌ای از واژه‌های قبل یا بعد از خود در درون متن که خواننده را در فهم و تشخیص آن واژه کمک می‌کند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۴). مدلول ارجاع فقط ضمیر نیست؛ امکان دارد در متنی، حالتی یا گزاره‌ای به کلمه یا کلمات قبل و یا بعد از خود اشاره و ارجاعی داشته باشد. نمونه از متن عربی:

(۱) «نُظْمَنِي وَأُخْدَانًا لِي نَادٍ» (حریری، ۱۳۶۳: ۲۸). «ی» در «نُظْمَنِي» و «لی» به راوی (حارث) ارجاع دارد.

(۲) «أَرْمَعْتُ الشَّخْصَ مِنْ بَرَقَعِيدٍ» (همان: ۵۷). «ت» در «أَرْمَعْتُ» به راوی (حارث) ارجاع دارد.

- ۳) «أَخَذَ يَنْتِي عَلَيْهِمْ بِصَالِحٍ» (همان: ۲۹۰). «هِمْ» در «عَلَيْهِمْ» به اهل مجلس ارجاع دارد.
- ۴) «فَلَمَّا تَطَوَّحْتُ إِلَى مَرَوْ» (همان: ۳۰۹). «تُ» در «تَطَوَّحْتُ» به راوی (حارث) ارجاع دارد.
- ۵) «رَأَيْتُ بِهِ ذَا حَلَقَةٍ مُلْتَحِمَةً» (همان: ۳۳۱). «تُ» در «رَأَيْتُ» به راوی (حارث) ارجاع دارد.
- نمونه از متن فارسی (ترجمه):

- ۱) «آن دینار را به سوی او انداختم ...» (همان، ۱۳۸۷: ۸۳). «او» به ابوزید سروجی (قهرمان) ارجاع دارد.
- ۲) «و هرگز دامن‌های خود را به مکانی که موجب خواری من شد؛ نمی‌کشیدم ...» (همان: ۱۱۰). «خود» به ابوزید سروجی (قهرمان) ارجاع دارد.
- ۳) «آن جماعت او را به خاطر لباس‌های کهنه و پاره‌اش خوار و حقیر شمردند ...» (همان: ۳۲۷). «او» و «اش» به ابوزید سروجی (قهرمان) ارجاع دارد.
- ۴) «در حالی که بر جای پایش قدم می‌گذاشتم ...» (همان: ۳۳۵). «م» در «می‌گذاشتم» به راوی (حارث) ارجاع دارد.
- ۵) «از غم و اندوه برافروخته شدم ...» (همان: ۳۸۰). «م» در «شدم» به راوی (حارث) ارجاع دارد.



نمودار ۱: تعداد عامل ارجاع در انسجام متن اصلی و ترجمه مقامه‌های منتخب

در مجموع تعداد ارجاع‌ها در متن اصلی مقامه‌های پنج‌گانه منظور ۷۵۱ عدد و در متن ترجمه‌ای آنها نیز ۷۵۱ عدد است. این برابری در ارجاع نشان می‌دهد که مترجم در ترجمه افعال و ضمائر (موجود و محذوف) به صورت لفظ به لفظ عمل کرده است.

حذف

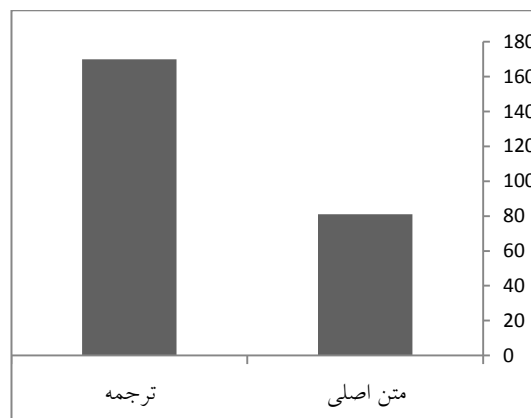
«حذف عبارت است از کم کردن یک یا چند کلمه یا عنصر در جمله در قیاس با عناصر و کلمات قبلی که در قالب اسم، فعل یا بند اتفاق می‌افتد» (فروزنده و بنی‌طالبی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). حذف اگر به شکل حرفه‌ای در جمله یا متن رخ دهد؛ کلام در راستای اقتصاد زبانی کوتاه و فشرده می‌گردد؛ البته حجم هر جمله رابطه‌ای ادبی - بلاغی با فهم یا ابهام در آن جمله دارد. حذف ممکن است به شکل لفظی یا معنایی یا حضوری صورت گیرد.

نمونه از متن عربی:

- (۱) «ثُمَّ بَسَطَ [إِلَى يَدِهِ ...]» (حریری، ۱۳۶۳: ۳۰).
- (۲) «... وَ إِيغَالِكَ فِي الْمَرَامِي؟ [كُنْتُمْ سِرَّةً] فَتَطَاهَرَ بِاللُّكْنَةِ ...» (همان: ۶۲).
- (۳) «فَتَفَهَّمُوا قُلُوبَهُمْ وَتَحَكَّمُوا فِي التَّغَاضِي إِنْ شِئْتُمْ [تَحَكَّمُوا فِي التَّغَاضِي] أَوْ فِي الْمَلَامِ ...» (همان: ۲۹۰).
- (۴) «أَنَّ [حِينَ] مَنْ عَدَّتْ بِهِ الْأَعْمَالُ أُعْلِقَتْ بِهِ الْأَمَالُ ...» (همان: ۳۱۰).
- (۵) «وَوَدِدْتُ لَوْ لَمْ أَلَاقِهِ [أَبْدًا] ...» (همان: ۳۳۶).

نمونه از متن (ترجمه) فارسی:

- (۱) «حارث بن همام گفت: [در این هنگام بود که] به خاطر [آگاهی از] فقر و نیازهایش، [به حال او] دلسوزی کردم ...» (همان، ۱۳۸۷: ۸۲).
- (۲) «و با [دادن] پیراهن و شلواری، گرمای [آتش] اندوه مرا خاموش کند ...» (همان: ۱۱۰).
- (۳) «تا [لباس] غم و اندوهم را با صابونی بشوید و دلم را از افکار از پای درآورنده [پاک سازد] ...» (همان: ۳۳۰).
- (۴) «هیچ فرد بخشنده‌ای، رایحه سپاسگزاری [از احسان] را نبویده است؛ جز اینکه [وقتی بوییده است] که پراکنده شدن بوی مشک را حقیر شمرده است ...» (همان: ۳۵۴).
- (۵) «... [و بدا به حال آن کسی که] از پیری و سالخوردگی نمی ترسد ...» (همان: ۳۳۷).



نمودار ۲: تعداد عامل حذف در انسجام متن اصلی و ترجمه مقامه های منتخب

ناهمانگی تعداد حذف‌ها، افزون‌بر اختلاف حوزه معنایی واژه و ساختار دستوری در متن اصلی و ترجمه، نشان‌دهنده این موضوع است که مترجم در این قسمت از ترجمه، از شیوه آزاد استفاده کرده است.

عوامل انسجام واژگانی

عوامل واژگانی در انسجام عبارت است از: تکرار، باهم آبی (تناسب)، مترادف، تضاد، شمول معنایی.

تکرار

«تکرار آن است که عناصری از جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار شوند. تکرار ممکن است به صورت‌های گوناگون انجام گیرد؛ از قبیل تکرار عین واژه، تکرار واژه مترادف، تکرار واژه‌ای که نسبت به واژه قبلی شمول معنایی دارد و تکرار واژه‌های عام، حرف اضافه و حرف ربط و ...» (فروزنده و بنی‌طالبی، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

یکی از مهم‌ترین عوامل پیوستگی جمله‌ها تکرار است که مانند قفلی، زنجیره جمله‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند و باعث ایجاد محتوا و مضمونی واحد می‌شود. زمانی تکرار عیب شمرده می‌شود که مربوط به زبان خبر باشد؛ زیرا «زبان علاوه بر رساندن خبر، یک وظیفه مهم دیگر هم دارد و آن تبیین عواطف و احساسات انسان است و تکرار اگر عیبی دارد، مربوط به زبان خبر است که باید بنابر اصل اقتصاد زبان، از اطناب که یکی از عوامل و عیوب تکرار است، پرهیز کرد؛ اما در زبان عاطفی، تکرار لازمه هنر آفرینی و خلاقیت هنرمندانه است» (خلیلی جهان‌تیغ، ۱۳۸۰: ۳۰).

تکرار در مقامات حریری ابزاری هنری و انسجام‌بخش است که افزون بر تکمیل موسیقی سخن موجب تجسیم و تداعی عواطف و هیجانات داستانی و نمایش اعمال و رفتارهای دراماتیک و تراژیک می‌شود. نویسنده با کاربرد این شگرد، کلام و مفهوم و مضمون اصلی (توجیه فقر) را هرچه بیشتر در وصول به واقعیت عینی و استحکام متنی نمایان می‌کند و افزون بر تأثیرگذاری بر مضمون و شکل جمله بر موسیقی کلام نیز تأثیر چشمگیری دارد.

نمونه از متن عربی:

(۱) «وَلَا إِشْمَارًا بَاخِلٌ مِنْ طَارِقٍ / وَلَا شَكَاَ الْمَطُولُ مَطْلَ الْعَائِقِ» (حریری، ۱۳۶۳: ۳۱).

(۲) «وَهِيَ تَسْتَقْرِى الصُّفُوفَ صَفًّا صَفًّا...» (همان: ۵۹).

(۳) «فَلَمَّا رَأَيْتُ شَوْبَ أَبِي زَيْدٍ وَرَوْبَهُ...» (همان: ۲۸۷).

(۴) «فَخَيْرُ مَالِ الْفَتَى مَالُ أَشَادُ لَمَّةً...» (همان: ۳۱۲).

(۵) «أَنَايْتُ دَارِي عَن دَارِهِ...» (همان: ۳۳۱).

نمونه از متن (ترجمه) فارسی:

(۱) «چه گرمی است آن طلای زرد رنگی که زردی‌اش نیکو و شگفت‌آور است...» (همان، ۱۳۸۷: ۸۲).

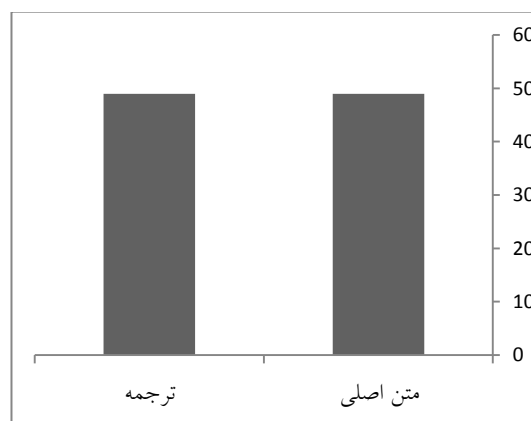
(۲) «شوینده‌ای بی‌اور؛ شوینده‌ای که چشم را نیکو گرداند...» (همان: ۱۱۳).

(۳) «هنگامی که نیرنگی نظیر نیرنگ ابوزید و دروغگویی نظیر دروغگویی او...» (همان: ۳۲۸).

(۴) «بهترین مال جوانمرد، مالی است که ذکر و یا آوازه او به عرش برسد...» (همان: ۳۵۳).

(۵) «و اگر زنده بماند همانند کسی است که زنده نمانده است...» (همان: ۳۳۷).

در ترجمه کلماتی که نشان عنصر تکرار است، شیوه لفظ به لفظ رعایت شده است و تعداد ابزار یکسان است.



نمودار ۳: تعداد عامل تکرار در انسجام متن اصلی و ترجمه مقامه‌های منتخب

باهم آیی

«باهم آیی نوع دیگری از انسجام واژگانی است و منظور از آن، با هم آمدن عناصر واژگانی معینی در چارچوب موضوع یک متن است که به نوعی مرتبط می باشند و به یک حوزه معنایی تعلق دارند و گرد هم آمدن آنها منجر به پیدایش ارتباط بین جمله های آن متن می شود» (فروزنده و بنی طالبی، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

باهم آیی همان مراعات النظیر است؛ اما با مفهوم گسترده تر؛ مثلاً رابطه میان عقیق و یاقوت و مرجان از نوع باهم آیی است که چه بسا تناسب اجزا از یک کل متناسب باشد. باید گفت تناسب از مهم ترین عوامل شکل و استحکام متنی است که باعث تداعی معانی، ایجاد مجاورت و توازن درونی متن می شود.

نمونه از متن عربی:

(۱) «فَأَوَيْتُ لِمَفْأَقِرِهِ وَ لَوَيْتُ إِلَى اسْتِنْبَاطِ قَفْرِهِ...» (حریری، ۱۳۶۳: ۲۹).

(۲) «وَ آبَتْ إِلَى الشَّيْخِ بَاكِيَةً لِلْحِرْمَانِ شَاكِيَةً تَحَامِلُ الزَّمَانَ...» (همان: ۵۹).

(۳) «لَيْسَ قَتْلِي بِلَهْدَمٍ أَوْ حُسَامٍ...» (همان: ۲۹۰).

(۴) «فَمَا يَشِينُ السُّلَافَ حِينَ حَلَا مَدَاقُهَا كَوْنُهَا ابْنَةَ الْحِصْرِمِ...» (همان: ۳۱۳).

(۵) «فَأَخْلَصَ التَّوْبَةَ تَطْمِيسُ بِهَا مِنَ الْخَطَايَا السُّودِ مَا قَدْ نُقِشَ...» (همان: ۳۳۳).

نمونه از متن (ترجمه) فارسی:

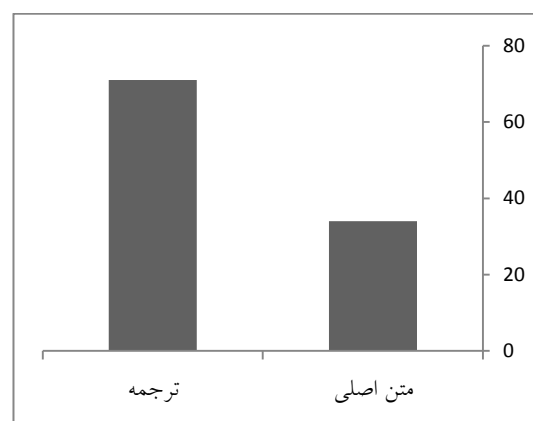
(۱) «مجلس و محفلی مرا و دوستانم را گرد هم آورد...» (همان، ۱۳۸۷: ۸۱).

(۲) «با دردها و ترسها مشرف به موت بودم...» (همان: ۱۱۰).

(۳) «هرگاه که مرا در کشتن آن، گناهکار می شمردند، گناه آن را به قضا و تقدیرها حواله می کردم...» (همان: ۳۲۹).

(۴) «همان چیزی را به عهده بگیرد که در مورد همسر و قوم و خویش و محرم خود به عهده می گیرد...» (همان: ۳۵۲).

(۵) «در جمال و بینایی همانند پارچه ای که آراسته شده است؛ جلوه می کند...» (همان: ۳۷۷).



نمودار ۴: تعداد عامل هم آیی در انسجام متن اصلی و ترجمه مقامه های منتخب

در متن ترجمه، باهم آیی (تناسب) از جمله ابزار است که به شیوه آزاد ترجمه شده است و از نظر تعداد با متن اصلی ناهماهنگ است.

ترادف

ترادف کاربرد واژه‌های هم‌معنی است و یکی از عوامل انسجام و یکپارچگی متنی به شمار می‌رود. درحقیقت کاربرد واژگان مترادف برای گسترش سخن و تأکید و تأیید موضوع مطرح‌شده در متن است. واژگان مترادف هرکدام بار معنایی خاصی دارد و هیچ‌کدام دیگری را نمی‌پوشاند؛ «زیرا واژه‌های کاملاً مترادف وجود ندارد و وجود واژه‌های کاملاً مترادف غیرممکن است» (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۰۷). ترادف یکی از ابزار گسترش‌زایی متن است.

نمونه از متن عربی:

(۱) «رَوَى الْحَارِثُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ...» (حریری، ۱۳۶۳: ۲۸)، (رَوَى = قَالَ).

(۲) «وَفِي الْمَسَاوِي بَدَا التَّسَاوِي...» (همان: ۶۰)، (مَسَاوِي = تَسَاوِي).

(۳) «يَطْلُبُ مِنِّي قَوَادًا أَوْ دِيَهَ...» (همان: ۲۸۸)، (قَوَادًا = دِيَهَ).

(۴) «فَأَسْفَرَ وَجْهَهُ وَ تَلَلَا...» (همان: ۳۱۴)، (أَسْفَرَ وَجْهَهُ = تَلَلَا).

(۵) «فَمَنْ نَوَىٰ مِنْكُمْ أَنْ يَقْبَلَ وَيُصْلِحَ الْمُسْتَقْبِلَ...» (همان: ۳۳۴)، (يَقْبَلَ = يُصْلِحَ).

نمونه از متن (ترجمه) فارسی:

(۱) «آتش دشمنی و عناد شعله‌ور نمی‌شد...» (همان، ۱۳۸۷: ۸۱)، (دشمنی = عناد).

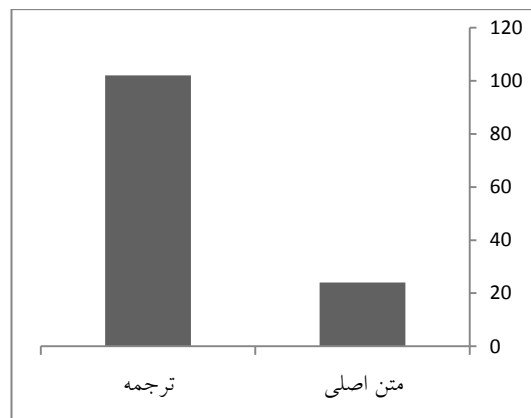
(۲) «لاغری و نزاری عاشق و درخشندگی شمشیر...» (همان: ۱۱۳)، (لاغری = نزاری).

(۳) «لغزش‌ها و خطاهایی که پشتش را سنگین کرده بود...» (همان: ۳۲۹)، (لغزشها = خطاها).

(۴) «نیکی و احسان و عطایت را به کسی ببخش که برای خواستن عطا و بخشش نزدت می‌آید...» (همان: ۳۵۳)،

(نیکی = احسان).

(۵) «و جام پند و نصیحت را بگیر و بنوش...» (همان: ۳۷۸)، (پند = نصیحت).



نمودار ۵: تعداد عامل ترادف در انسجام متن اصلی و ترجمه مقامه‌های منتخب

مترجم با ترجمه آزاد ابزار ترادف، متن را گسترش‌پذیر کرده است؛ به‌گونه‌ای که بین متن اصلی و ترجمه از نظر بسامد تفاوت وجود دارد.

تضاد

«در تقابلی یکدیگر قراردادن اشیا و مفاهیم تضاد است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۰۸). تقابلی مفاهیم و معانی تقابلی، سبب اعجاب و شگفتی در مخاطب می‌شود؛ زیرا «تضاد آن است که بین معنی دو یا چند کلمه تناسب منفی وجود داشته باشد؛ یعنی کلمات از نظر معنی، عکس و ضد هم باشند» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۰۹)؛ به گونه‌ای که باعث اعجاب شود. باید گفت هدف از اعجاب و شگفتی، شکل‌گیری نوعی موسیقی پنهان در کلام است.

تضاد در قالب اسم، صفت، قید و فعل بسامد بیشتری دارد. تضاد برخاسته از رویارویی موضع برتر با موضع فرودست است که در زمینه سیاست و حکومت و فرمانروایی خود را بیشتر نشان می‌دهد. تضاد هرچه باشد یکی از مهم‌ترین ابزارهای انسجام و اثرگذاری در متن است.

نمونه از متن عربی:

(۱) «وَأُودِيَ النَّاطِقُ وَالصَّامِتُ...» (حریری، ۱۳۶۳: ۲۹)، (النَّاطِقُ # الصَّامِتُ).

(۲) «وَأَجْلَبَ بِخَيْلِهِ وَرَجَلِهِ...» (همان: ۵۷)، (خَيْلِهِ # رَجَلِهِ).

(۳) «يَا قَوْمُ كَمْ مِنْ عَاتِقِ عَانِسٍ...» (همان: ۲۸۸)، (عَاتِقِ # عَانِسِ).

(۴) «حَتَّى غَلَبَ الْيَأْسُ الطَّمَعُ وَأَنْزَوَى التَّامِيلُ وَأَنْقَمَعَ...» (همان: ۳۱۰)، (الْيَأْسُ # التَّامِيلُ).

(۵) «إِلَى حَيْثُ أَصْطَبِحَ وَأَغْتَبِقُ...» (همان: ۳۳۶)، (أَصْطَبِحَ # أَغْتَبِقُ).

نمونه از متن (ترجمه) فارسی:

(۱) «همراه با دو باد شدید و ملایم زیر و رو می‌شوم...» (همان، ۱۳۸۷: ۸۵)، (شدید # ملایم) و (زیر # رو).

(۲) «و سواره و پیاده خود را جمع کرد...» (همان: ۱۰۹)، (سواره # پیاده).

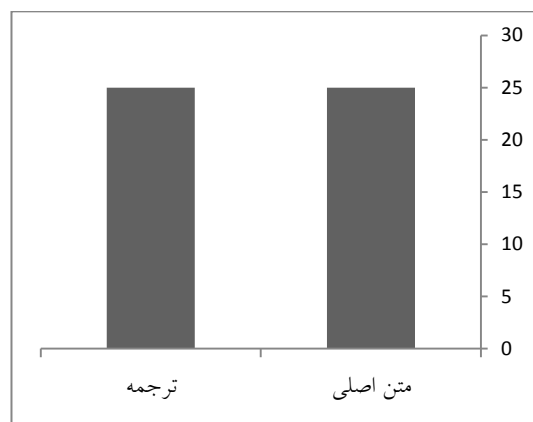
(۳) «فرد ناقص و بی‌ارزش و شخص برتر آنان را آزمایش کند...» (همان: ۳۲۸)، (بی‌ارزش # برتر).

(۴) «برای او آن مقرری‌ای را تعیین کرد که از درازی دامن و کوتاهی شبس خبر می‌داد...» (همان: ۳۵۵)،

(درازی # کوتاهی).

(۵) «با شراب ناب، غم و اندوه خود را برطرف ساز و دلت را شاد کن و اندوهگین مباش...» (همان: ۳۸۰)،

(غم # شادی) و (شاد # اندوهگین).



نمودار ۶: تعداد عامل تضاد در انسجام متن اصلی و ترجمه مقامه های منتخب

تضاد از جمله کلمات کلیدی در انسجام متن است. ترجمه این عنصر، لفظ به لفظ انجام شده است

شمول معنایی

«شمول معنایی یعنی اینکه یک واژه بتواند چند مفهوم دیگر را نشان دهد» (فروزنده و بنی‌طالبی، ۱۳۹۳: ۱۲۳)؛ مثلاً رابطه میان واژه گدایی و مفاهیم تضرع و خواهش و خواری و ذلت از نوع شمول معنایی است. گدایی، واژه شامل و تضرع و خواهش و خواری و ذلت، واژه‌هایی مشمول است.

نمونه از متن عربی:

(۱) «وَ اَنْظُرُوا اِلَى مَنْ كَانَ ذَا نَدَىٍّ وَ نَدَىٍّ وَ جِدَّةٍ وَ جَدًّا وَ عَقَارٍ وَ قُرَىٍّ وَ مَقَارٍ وَ قَرَىٍّ...» (حریری، ۱۳۶۳: ۲۸).

(۲) «اَنْحَرَمُ وَيَحْكُ الْفَنَصَ وَ الْحِبَالَةَ وَ الْقَبَسَ وَ الْحِبَالَةَ؟...» (همان: ۶۰).

(۳) «فَهَلْ مُعِينٌ لِي عَلَى ثَقْلِهَا / مَصْحُوبَةٌ بِالْقَيْئَةِ الْمَلْهِيَةِ» (همان: ۲۸۹).

(۴) «مَا يُلْتَزَمُ لِلْأَهْلِ وَالْحَرَمِ...» (همان: ۳۱۰).

(۵) «إِصْرِفْ بِصِرْفِ الرَّاحِ عَنْكَ الْأَسَى / وَ رَوْحِ الْقَلْبِ وَلَا تَكْتَبِبْ» (همان: ۱۳).

نمونه از متن (ترجمه) فارسی:

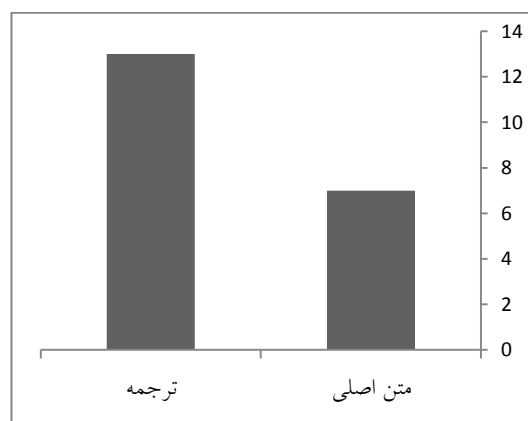
(۱) «چهارپا و طلا و نقره و کالایش نابود شد...» (همان، ۱۳۸۷: ۸۱).

(۲) «درخشندگی شمشیر و ساز و برگ جنگ و نرمی شاخه تر و تازه را دارا باشد...» (همان: ۱۱۳).

(۳) «در این حین که ما سرگرم مزاحی به‌وجودآورنده‌تر از چهچه‌های پرندگان و خوش‌تر از شراب خوشه‌های انگور بودیم...» (همان: ۳۲۷).

(۴) «هیچ‌زیانی متوجه آن کسی نیست که خواهان ستوده‌شدن خودش به خاطر عطا و بخشش به دیگران است حتی اگر آنچه را که داده است یاقوت باشد...» (همان: ۳۵۴).

(۵) «تا اینکه حفاری‌اش آب را استخراج کرد و زمین خالی از گیاه و سبزه‌اش پوشیده از گیاه شد...» (همان: ۳۷۹).



نمودار ۷: تعداد عامل شمول معنایی در انسجام متن اصلی و ترجمه مقامه‌های منتخب

مترجم عنصر شمول معنایی را همچون بعضی از دیگر عناصر، راهی برای توسعه متن ترجمه‌ای خود قرار داده است و شیوه ترجمه آن را آزاد انتخاب کرده است.

عوامل انسجام پیوندی

«انسجام پیوندی عبارت است از روابط معنایی و منطقی میان جمله‌های سازنده یک متن که خود به چهار گونه «اضافی»، «سببی»، «تقابلی» و «زمانی» تقسیم می‌شود و عناصر پیونددهنده‌ای از قبیل علاوه‌بر این، برای مثال، بنابراین، زیرا، اگرچه، امّا، بعد، سرانجام و ... در ایجاد انسجام پیوندی مؤثر است» (مسبوق و دلشاد، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

ارتباط اضافی

ارتباط اضافی نوعی رابطه معنایی است و زمانی برقرار می‌شود که «جمله‌ای درباره جمله پیشین، در متن مطلبی را اضافه کند. این افزوده ممکن است جنبه توضیحی، تمثیلی و مقایسه‌ای داشته باشد» (اخلاقی، ۱۳۷۶: ۸۹) که قدرت معنا و وضوح درک را افزایش می‌دهد. در هر متنی مطالبی که جنبه توضیحی، تمثیلی و تشبیهی دارد، موجب شفاف‌تر شدن متن و گسترش وقایع و رویدادها می‌شود. حضور مؤثر این نوع از پیوند انسجامی در مقامات حریری افزون‌بر روانی و شفافیت کلام، سبب افزایش قدرت توجیه‌گری و اقناع مخاطب و عینی‌گرایی جامعه متن شده است.

نمونه از متن عربی:

(۱) «كَأَمَّا مِنَ الْقُلُوبِ تُقْرَئُهُ ...» (حریری، ۱۳۶۳: ۳۰).

(۲) «وَاسْتَفَادَ لِعَجُوزٍ كَالسَّعْلَةِ ...» (همان: ۵۷).

(۳) «رَمَقْنِي بَعَيْنٍ مِضْحَاكِ ...» (همان: ۲۸۸).

(۴) «فَإِذَا الْفَيْتَ مِنْهُمْ بُعِيَةَ الْمُتَمَسِّ وَجُدُوهَ الْمُقْتَبِسِ ...» (همان: ۳۰۹).

(۵) «إِشَادَ مَنْ يُرْشِدُ ...» (همان: ۳۳۳).

نمونه از متن (ترجمه) فارسی:

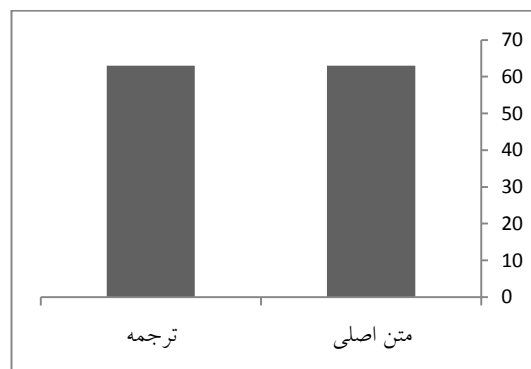
(۱) «هیچ گناهی، متوجه فرد لنگ نیست ...» (همان، ۱۳۸۷: ۸۵)، (ارتباط اضافی از نوع تمثیل).

(۲) «دو چراغ صورتش در حال برافروختن هستند؛ همچون فرقدینند ...» (همان: ۱۱۳)، (ارتباط اضافی از نوع تشبیه).

(۳) «با شنیدن این سخن، مانند سکوت کسی که درمانده و مغلوب شده و از سخن گفتن باز مانده باشد؛ ساکت شد ...» (همان: ۳۲۸)، (ارتباط اضافی از نوع تشبیه).

(۴) «همانند سلام کردن فردی محتاج، سلام کرد ...» (همان: ۳۵۲)، (ارتباط اضافی از نوع تشبیه).

(۵) «پس خواند همانند کسی که راه راست را نشان می‌دهد ...» (همان: ۳۷۷)، (ارتباط اضافی از نوع تشبیه).



نمودار ۸: تعداد عامل ارتباط اضافی در انسجام متن اصلی و ترجمه مقامه‌های منتخب

ترجمه کلماتی که بر معنای پیوند اضافی دلالت دارد، به شیوه لفظ به لفظ انجام شده است و برابری تعداد این ابزار در متن اصلی و ترجمه نشان این گزاره تحقیقی است.

ارتباط تقابلی

«این نوع از رابطه معنایی هنگامی برقرار می‌گردد که محتوای یک جمله خلاف انتظارات جمله مقابل آن، نسبت به موقعیت گوینده و مخاطب باشد. از نشانه‌های متنی اینگونه از انسجام پیوندی در میان جملات می‌تواند کلماتی از قبیل اگرچه، ولیکن، مگر، هرچند، اما، باوجود این، به رغم و ... باشد. هرچند گاهی این کلمات به وضوح در متن وجود ندارند» (اخلاقی، ۱۳۷۶: ۹۶). واژگان متضاد و متناقض ارتباط تقابلی را بهتر نشان می‌دهد. در مقامات حریری حضور این نوع از تقابل‌ها و تعارض‌ها، جهان‌بینی راوی را روشن می‌کند و به متن مقامات قابلیت تصدیق‌پذیری یا انکارگرایی می‌دهد.

نمونه از متن عربی:

(۱) «وَلَكِنْ لَأُفْرِعَ بَابَ الْفَرَجِ ...» (حریری، ۱۳۶۳: ۳۲).

(۲) «إِنْ رَغِبْتَ فِي الْمَشُوفِ الْمَعْلَمِ ...» (همان: ۱۰).

(۳) «وَسَتَرْتُ مَكْرَهُهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ يُخِيلُ ...» (همان: ۲۸۸).

(۴) «بَلِ الْآيَاتُ مَنْ إِذَا وَجَدَ جَادَ ...» (همان: ۳۱۱).

(۵) «أَمَّا أَنَا فَسَأُطَلِّقُ ...» (همان: ۳۳۶).

نمونه از متن (ترجمه) فارسی:

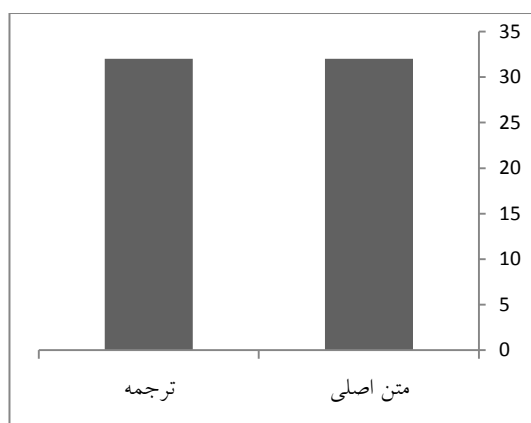
(۱) «اگر آن دینار وجود نمی‌داشت ...» (همان، ۱۳۸۷: ۸۴).

(۲) «اما هیچ رنجی، او را به مقصود نمی‌رسانید ...» (همان: ۱۱۱).

(۳) «اما برای آماده‌کردن جهیزیه‌اش ... جز صد دینار مخارج مرا تأمین نمی‌کند» (همان: ۳۳۰).

(۴) «اما من از طریق فضل و دانش خود، سود برده‌ام نه با نادانی و بیهوده‌گویی ...» (همان: ۳۵۳).

(۵) «سپس گفت: اما من به‌زودی به آنجایی خواهم رفت که ...» (همان: ۳۸۰).



نمودار ۹: تعداد عامل ارتباط تقابلی در انسجام متن اصلی و ترجمه مقامه‌های منتخب

ترجمه ابزار تقابلی نیز به شیوه لفظ به لفظ انجام شده است و تعداد این ابزار در متن اصلی و متن ترجمه یکسان است.

ارتباط سببی

«رابطه معنایی از نوع سببی منوط است به ارتباط سببی رویداد فعل جمله با رویداد جمله‌های دیگر که به شکل علت، نتیجه، هدف و شرط بیان می‌شود» (اخلاقی، ۱۳۷۶: ۹۵). واژگان بیانگر این نوع ارتباط عبارت است از: زیرا، برای اینکه، بنابراین، لذا، به علت، به خاطر، از آنجایی که، چون، تنها، در نتیجه، پس، بدین طریق و... .
نمونه از متن عربی:

(۱) «فَقَالَ: يَا أَخَيْرَ الذَّخَائِرِ...» (حریری، ۱۳۶۳: ۲۸).

(۲) «فَلَيْسَتْ الدَّهْرَ لَمَّا / جَارَ أَطْفَالِي أَطْفَالِي» (همان: ۵۸).

(۳) «فَارَدَرَاهُ الْقَوْمُ لِطِمْرِيهِ...» (همان: ۲۸۶).

(۴) «ثُمَّ أَمْسَكَ بِرُقْبِ أَكْلِ غَرْسِيهِ...» (همان: ۳۱۱).

(۵) «وَكَلَوْ فَكَّرَ فِي مَا قَدَّمَ...» (همان: ۳۳۲).

نمونه از متن (ترجمه) فارسی:

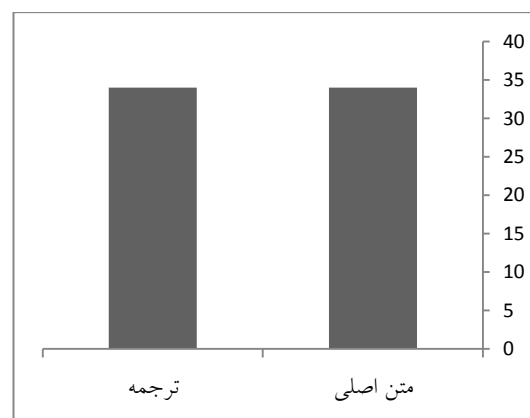
(۱) «بنابراین، آیا در میانتان آزاده‌ای مهربان ... وجود دارد؟» (همان، ۱۳۸۷: ۸۲).

(۲) «تا اینکه خطبه عید، به پایان رسید ...» (همان: ۱۱۲).

(۳) «بنابراین به سوی آن رفتم تا راز گوهر و ذات آن را بیازمایم ...» (همان: ۳۲۷).

(۴) «... به همین خاطر، از خشم برافروخته شد و بالبداهه خواند: ...» (همان: ۳۵۳).

(۵) «... پس راهم را خالی کن و دور شو ...» (همان: ۳۸۰).



نمودار ۱۰: تعداد عامل ارتباط سببی در انسجام متن اصلی و ترجمه مقامه های منتخب

ترجمه ابزار ارتباط سببی که بیانگر رویداد فعل در جمله است؛ نیز مشمول شیوه لفظ به لفظ است.

ارتباط زمانی

«هرگاه گونه‌ای از توالی زمانی میان رویدادهای دو جمله وجود داشته باشد، ارتباط زمانی برقرار شده است. در متون روایی از قبیل قصه، داستان، اسطوره و ... مهم‌ترین رابطه میان جمله‌ها و اجزای روایت و وجه ممیز آن از گونه‌های دیگر سخن، ارتباط زمانی است که بدون آن اصولاً متن روایی به وجود نمی‌آید» (اخلاقی، ۱۳۷۶: ۹۳). کلماتی مثل نخستین، دوم، سوم و ... که ترتیب زمانی را بیان می‌کند، نشانی از ارتباط زمانی است. افزون بر این کلمات، با وقایعی که واقعه‌ای دیگر در پی دارد و در انجام آن توالی و پیوستگی رخ می‌دهد، می‌توان مؤلفه‌های ارتباط زمانی را آشکارتر کرد. وجود ارتباط زمانی در باورپذیری و نزدیکی رویدادهای متنی به واقعیت، بسیار مؤثر و کارساز است.

نمونه از متن عربی:

(۱) «فَبَيْنَمَا نَحْنُ نَتَجَادَبُ أَطْرَافَ الْأَنْشَابِ...» (حریری، ۱۳۶۳: ۲۸).

(۲) «فِي أَوَانِ الْفَرَاعِ...» (همان: ۵۷).

(۳) «فَلَمَّا نَجَحَتْ بُغَيْتُهُ...» (همان: ۲۸۹).

(۴) «وَعَدَمَ الْأَعْشَابِ حِينَ شَابَ...» (همان: ۳۱۱).

(۵) «فَلَمَّا أَنْ تَرَعَ الْكَيْسُ...» (همان: ۳۳۴).

نمونه از متن (ترجمه) فارسی:

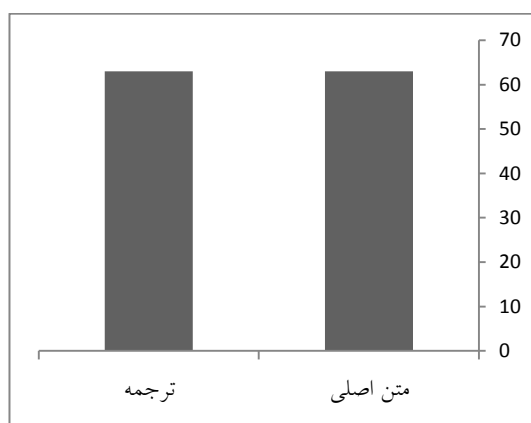
(۱) «سپس، بعد از آنکه این ابیات را خواند ...» (همان، ۱۳۸۷: ۸۳).

(۲) «هنگامی که به خانام وارد شد و ...» (همان: ۱۱۲).

(۳) «سپس از چشمه‌های ادب و نکته‌های برگزیده چیزی را شکافت و بیرون آورد ...» (همان: ۳۲۸).

(۴) «تا اینکه روزی در درگاه امیر مرو حضور یافتم ...» (همان: ۳۵۲).

(۵) «هنگامی که غربت و دوری از وطن، مرا به شهر تنیس افکند ...» (همان: ۳۷۶).



نمودار ۱۱: تعداد عامل ارتباط زمانی در انسجام متن اصلی و ترجمه مقامه‌های منتخب

مترجم در ترجمه این ابزار (ارتباط زمانی) نیز به شیوه لفظ به لفظ عمل کرده است و بسامد آن در متن اصلی و ترجمه یکسان است.

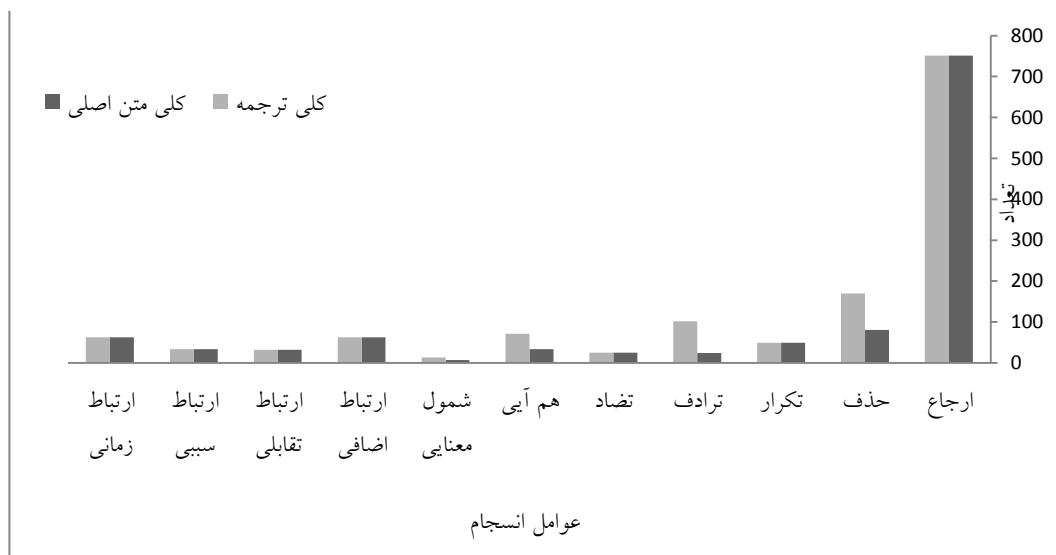
جدول ۱: میزان کمی شیوه‌های انسجام در متن اصلی و ترجمه مقامات پنجگانه

نام مقامه	متن اصلی و ترجمه	انسجام دستوری		انسجام واژگانی				انسجام پیوندی				
		ارجاع	حذف	تکرار	ترادف	تضاد	هم آبی	شمول معنایی	ارتباط اضافی	ارتباط تقابلی	ارتباط سببی	ارتباط زمانی
دیناریه	اصلی	۱۰۸	۲۱	۶	۳	۴	۱۱	۱	۶	۷	۵	۸
	ترجمه	۱۰۸	۳۳	۶	۷	۴	۱۷	۳	۶	۷	۵	۸
برقعیدیه	اصلی	۲۰۲	۳۰	۹	۳	۳	۱۰	۱	۲۱	۱۰	۱۱	۱۶
	ترجمه	۲۰۲	۵۵	۹	۱۵	۳	۱۸	۲	۲۱	۱۰	۱۱	۱۶
شیرازیه	اصلی	۱۴۵	۱۲	۱۲	۶	۱	۸	۱	۱۵	۷	۳	۱۶
	ترجمه	۱۴۵	۲۴	۱۲	۱۷	۱	۱۸	۲	۱۵	۷	۳	۱۶
مرویه	اصلی	۱۲۶	۱۰	۱۴	۶	۹	۵	۲	۹	۴	۱۰	۱۲
	ترجمه	۱۲۶	۲۸	۱۴	۲۸	۹	۱۲	۳	۹	۴	۱۰	۱۲
تنسیه	اصلی	۱۷۰	۱۱	۸	۶	۸	۳	۲	۱۲	۴	۵	۱۱
	ترجمه	۱۷۰	۳۰	۸	۳۵	۸	۶	۳	۱۲	۴	۵	۱۱
جمع زیربخش‌های عوامل انسجام	اصلی	۷۵۱	۸۴	۴۹	۲۴	۲۵	۳۷	۷	۶۳	۳۲	۳۴	۶۳
	ترجمه	۷۵۱	۱۷۰	۴۹	۱۰۲	۲۵	۷۱	۱۳	۶۳	۳۲	۳۴	۶۳
جمع کلی	اصلی	۸۳۵					۱۴۲					۱۹۲
عوامل انسجام	ترجمه	۹۲۱					۲۶۰					۱۹۲

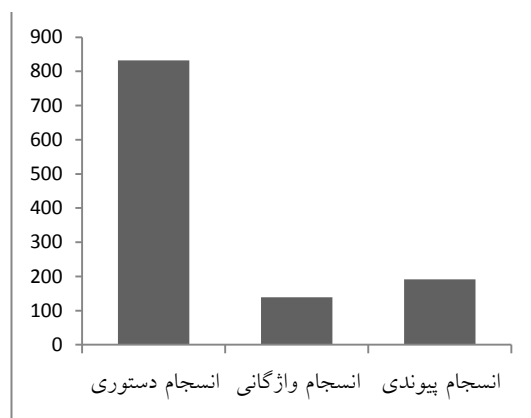
تحلیل کمی میزان عوامل انسجام در متن اصلی و ترجمه مقامه‌های منتخب

همانطوری که پیشتر توضیح داده شد، ابزار انسجام در جایگاه متغیر مستقل، خود را در سه گروه (دستوری، واژگانی، پیوندی) و یازده زیرمجموعه (ارجاع ... تکرار ... پیوند زمانی ...) نشان می‌دهد؛ نیز مقامه‌های منتخب در جایگاه متغیر وابسته که یک‌دهم متن اصلی مقامات حریری را تشکیل می‌دهد، به شکل تصادفی از صفحات آغازین، میانی و پایانی انتخاب شده است.

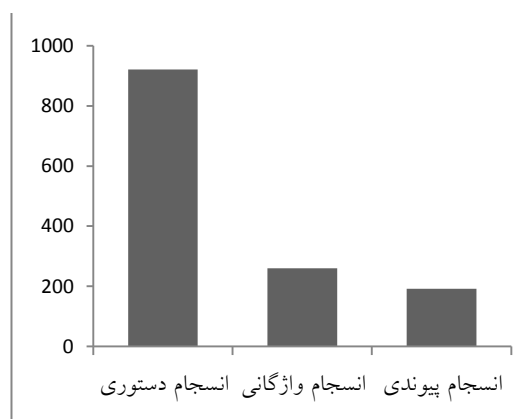
مقایسه ابزار انسجام در متن اصلی و ترجمه پنج مقامه منتخب، بیانگر این موضوع است که مجموع ابزار انسجام در سه محور دستوری و واژگانی و پیوندی در متن اصلی ۱۱۵۹ و در ترجمه ۱۳۶۳ عدد است و تعداد ابزار انسجام به تفکیک دستوری در متن اصلی ۸۳۵ و در ترجمه ۹۲۱ عدد، واژگانی در متن اصلی ۱۴۲ و در ترجمه ۲۶۰ عدد، پیوندی نیز در متن اصلی ۱۹۲ و در ترجمه نیز ۱۹۲ عدد است. همچنین ارجاع پربسامدترین ابزار است، با ۷۵۱ عدد در متن اصلی و ۷۵۱ عدد در ترجمه، و کم‌بسامدترین ابزار، شمول معنایی است، با ۷ عدد در متن اصلی و ۱۳ عدد در ترجمه. این موضوع نشان‌دهنده این است که با وجود اختلاف در حوزه معنایی واژه و ساختار نحوی زبان عربی و فارسی، مترجم سعی داشته است که با استفاده از نقاط اشتراکی کمابیش محدود، حوزه معنایی و نحوی دو زبان منظور، در ترجمه ابزار ارجاع، تکرار، تضاد، ارتباط اضافی، ارتباط تقابلی، ارتباط سببی و ارتباط زمانی، شیوه ترجمه لفظ به لفظ را پیش گیرد و در ترجمه ابزار حذف، ترادف، هم‌آبی و شمول معنایی، از ترجمه آزاد استفاده کند.



نمودار ۱۲: تعداد عوامل انسجام در متن اصلی و ترجمه مقامه ها



نمودار ۱۳: تعداد عوامل انسجام در متن اصلی مقامه ها



نمودار ۱۴: نمودار کلی تعداد عوامل انسجام در متن ترجمه مقامه ها

نتیجه‌گیری

نقش‌گرایی زبان یکی از پایه‌های گفتمان است و کاربرد گفتمانی زبان در مقامات درخور توجه است؛ به همین سبب می‌توان گفت حریری، از نظر میزان حضور ابزارهای انسجام در متن اصلی، سعی داشته است با استفاده بسیار از ابزار انسجام دستوری به‌ویژه ارجاع، خواننده را با راوی و قهرمان همراه و ارتباط بین آنها را طولانی کند تا انگیزه‌ای برای ترغیب خواننده به خواندن متن ایجاد شود. مترجم نیز در ترجمه ارجاع‌ها با استفاده از نقاط اشتراکی کمابیش محدود در حوزه معنایی و نحوی دو زبان فارسی و عربی، جانب ترجمه لفظ به لفظ را گرفته است؛ این عمل در تکرار، تضاد، ارتباط اضافی، ارتباط تقابلی، ارتباط سببی و ارتباط زمانی نیز رعایت شده است به گونه‌ای که تعداد این ابزارها در متن اصلی و ترجمه کاملاً برابر است؛ از سوی دیگر مترجم در حذف، ترادف، هم‌آیی و شمول معنایی افزون بر اختلاف حوزه معنایی واژگان و ساختار دستوری زبان عربی و فارسی، با ترجمه آزاد، اندکی ترجمه را بیشتر از متن اصلی گسترش داده است؛ البته واژگان منتخب مترجم بنابر هدف ترجمه، مطابق الگوهای است که بر لایه‌های معنایی و سبکی تأثیرگذار است. این انتخاب، هم بر لایه‌های فرهنگی (بی‌توجهی به ارباب هنر)، اجتماعی (رواج‌گدایی و فقر)، سیاسی (فرار از سانسور) مبتنی است و هم در بازنمایی این سطوح بر ذهن مخاطب و چگونگی تصویرسازی آنها اثر بسزایی دارد تا متن، درک‌پذیر و هدفمند جلوه کند. مترجم خود بیان کرده است که با آمیختن دو شیوه ترجمه (آزاد و تحت‌اللفظی) می‌توان گونه‌ای از ترجمه را پدید آورد که نه معنی در دایره لفظ گرفتار آید و نه از لذت ادبی کاسته شود؛ بنابراین در این ترجمه ابزارهایی به شیوه لفظ به لفظ و عیناً ترجمه شده است که با توسعه واژه‌ای، خواننده را به خطا و انحراف موضوعی می‌کشاند؛ اما ابزار و واژه‌هایی که در صورت توسعه‌پذیری خطایی در متن اصلی برای خواننده ایجاد نمی‌کند، به شیوه آزاد ترجمه شده است. از نظر میزان کمی انسجام‌های سه‌گانه (دستوری و واژگانی و پیوندی) باید گفت براساس نمودار شماره ۱۳ بسامد انسجام دستوری در متن اصلی بیش از انسجام واژگانی و انسجام واژگانی بیش از انسجام پیوندی است و نیز برپایه نمودار شماره ۱۴ در ترجمه، این بسامد با تعداد بیشتر تکرار می‌شود.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابراهیمی حریری، فارس (۱۳۴۶). *مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳- اخلاقی، اکبر (۱۳۷۶). *تحلیل ساختاری منطق الطیر عطار*، اصفهان: فردا.
- ۴- امیری خراسانی، احمد؛ علی‌نژاد، حلیمه (۱۳۹۴). «بررسی عناصر انسجام متن در نفثة المصدور براساس نظریه هلیدی و حسن»، *مجله متن پژوهی ادبی*، سال ۱۹، شماره ۶۳، ۷-۳۷.
- ۵- انوشه، حسن (۱۳۷۶). *فرهنگنامه ادبی فارسی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ۶- ایشانی، طاهره؛ نعمتی قزوینی، معصومه (۱۳۹۲). «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره «صف» با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، *مجله علمی - پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عرب*، شماره ۲۷، ۶۵-۹۵.
- ۷- باغینی پور، محید (۱۳۷۵). «نگاهی گذرا به جنبه‌هایی از سخن‌کاوی»، *مجله زبان‌شناسی*، سال ۱۳، شماره ۱ و ۲، ۱۴-۲۹.
- ۸- پروینی، خلیل؛ نظری، علیرضا (۱۳۹۳). «بررسی نقش عامل تکرار در انسجام بخشی به خطبه‌های نهج‌البلاغه

- براساس الگوی انسجام هلیدی و حسن»، فصلنامه زبان پژوهی، سال ۶، شماره ۱۰، ۳۷-۶۱.
- ۹- پروینی، خلیل؛ نظری، علیرضا (۱۳۹۴). «زبان‌شناسی متن و انطباق الگوی انسجام با زبان عربی در دیدگاه صاحب نظران معاصر عرب»، دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۵ (پیاپی ۲۶)، ۱۲۳-۱۴۶.
- ۱۰- تاکی، گیتی (۱۳۷۸). «پیوستگی و همبستگی متن در زبان فارسی»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۸، ۱۲۹-۱۴۰.
- ۱۱- تئون ای، وان دایک (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان (از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی)، ترجمه پیروز ایزدی و همکاران، تهران: دفتر مطالعه و توسعه رسانه‌ها.
- ۱۲- حریری، قاسم بن علی (۱۳۶۳). مقامات حریری، ترجمه علی رواقی، تهران: مؤسسه شهید محمد رواقی.
- ۱۳- ----- (۱۳۸۷). مقامات حریری، ترجمه طواق گلندی گلشاهی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- خلیلی جهان‌تیغ؛ مریم (۱۳۸۰). سیب جان، تهران: سخن.
- ۱۵- رواقی، علی (۱۳۶۵). ترجمه فارسی کهن مقامات حریری، تهران: مؤسسه شهید محمد رواقی.
- ۱۶- سادات الحسینی، راضیه سادات؛ متقی زاده، عیسی؛ پروینی، خلیل؛ گلغام، ارسلان (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل نظم عبدالقاهر جرجانی در پرتو نظریه نقش‌گرای هلیدی»، دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۷، شماره ۲ (پیاپی ۳۰)، ۱۲۳-۱۴۰.
- ۱۷- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰). صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- ۱۸- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). بیان و معانی، تهران: فردوس.
- ۱۹- ----- (۱۳۷۷). سبک‌شناسی نثر، ج ۲، تهران: میترا.
- ۲۰- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سوره مهر.
- ۲۱- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۲۲- فروزنده، مسعود؛ بنی طالبی، امین (۱۳۹۳). «ابزارهای آفریننده انسجام متنی و پیوستارهای بلاغی در ویس و رامین»، شعر پژوهی (بوستان ادب)، مجله دانشگاه شیراز، سال ۶، شماره ۲ (پیاپی ۲۰)، ۱۰۷-۱۳۴.
- ۲۳- قوامی، بدریه؛ آذرنوا، لیدا (۱۳۹۲). «تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در شعری کوتاه از شاملو»، فصلنامه علمی پژوهی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج، سال ۵، شماره ۱۵، ۷۱-۸۴.
- ۲۴- لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱). «درآمدی بر سخن‌کاوی»، مجله زبان‌شناسی، سال ۹، پیاپی ۱۷، ۱۰۹-۱۲۲.
- ۲۵- مبارک، زکی (۱۹۹۰)، النشر الفنی فی القرن الرابع، مصر: مکتبه التجاریه الکبری.
- ۲۶- مدرسی، فاطمه؛ مخبر، ثانیه (۱۳۹۱). «انسجام متنی مقالات شمس تبریزی»، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال اول، شماره ۱، ۴۵-۷۴.
- ۲۷- مسبوق، سید مهدی؛ دلشاد، شهرام (۱۳۹۵). «تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در مقامه مضیریه بدیع الزمان همدانی»، دو ماهنامه جستارهای ادبی، دوره ۷، شماره ۱ (پیاپی ۲۹)، ۱۵۱-۱۷۲.
- ۲۸- مهاجر، مهران؛ نبوی، محمد (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر؛ رهیافتی نقش‌گرا، تهران: مرکز.
- ۲۹- مهربانی، معصومه؛ ذاکر، آرمان (۱۳۹۵). «تحلیل سبک‌شناختی چند حکایت از گلستان سعدی در پرتو دستور

نقشگرای نظام مند هلیدی»، دو ماهنامه جستارهای ادبی، دوره ۷، شماره ۱ (پیاپی ۲۹)، ۱۷۳-۱۹۶.

۳۰- میرزایی، فرامرز؛ شیخی قلات، سریه (۱۳۹۲). «انتقال معنا و بینامتنی براساس مدل «لپی هالم» بررسی موردی

ترجمه اشعار احمد مطر»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادب عربی، شماره ۷، ۵۸-۴۱.

۳۱- نبی‌لو، علیرضا (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل دو غزل از خاقانی و حافظ بر مبنای زبان‌شناسی نقشگرای سیستمی»،

زبان و ادب فارسی، شماره ۲۲۷، ۱۱۳-۱۲۶.

32- Berry, Margrant (1975). *an introduction to Systemic Linguistics, 1. Structures and Systems*, Stmartin's Press, Newyork.

33- Gut Winski, Waldermar (1976). *Gohesion in Litrerary Texts*, Paris: Mouton.

34- Haliday, M A K; Hasan, Rugaiya (1976). *Cohesion in English*, London: Lonhghan.

35- Newmark, D. (1991). *About Translation*, Clevedon: Multilingual Matters.